

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۲/۲۲

صفحات: ۱- ۲۰

بررسی عوامل سیاسی - اقتصادی موثر بر چالش‌های قومیتی (قوم کرد ایران)

حسین ترکی*

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

عوامل مختلفی در بعد داخلی و خارجی بر بروز ناآرامی‌ها و چالش‌های قومیتی تأثیر گذار است. این تحقیق از نظر ماهیت و هدف، کاربردی و از نظر نوع روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری با توجه به تعداد کم آن‌ها به صورت تمام شمار و شامل کلیه اعضای هیئت علمی سه گروه علوم سیاسی، امنیت داخلی و انتظامی دانشگاه علوم انتظامی ناجا می‌باشند. ابزار سنجش پژوهش حاضر پرسشنامه ۲۴ گویه‌ای است. اعتبار پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار ۰,۹۲۷ به دست آمده است و به خاطر اینکه مقدار به دست آمده بالاتر از ۰,۷ است، بنابراین پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است. در این تحقیق دو سوال مطرح شد: اول: آیا عوامل اقتصادی و سیاسی در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران تأثیر داشته است؟ دوم: در صورت تأیید فرض اول کدام یک از عوامل اقتصادی و سیاسی نقش موثرتری در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران داشته است؟ با تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه مشخص شد جواب سوال اول مثبت است. بدین ترتیب که میانگین نظرات پاسخگویان در مولفه سیاسی ۳,۷۸۸ بوده که بالاتر از ۳ بوده در نتیجه عوامل سیاسی در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران موثر بوده است. میانگین نظرات پاسخگویان در مولفه اقتصادی ۴,۲۴۹ بوده که بالاتر از ۳ بوده در نتیجه عوامل اقتصادی نیز در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران موثر بوده است. در پاسخ به سوال دوم نیز باید گفت با توجه به اینکه میانگین عوامل اقتصادی ۴,۲۴۹ بوده بنابراین، مولفه اقتصادی نسبت به مولفه سیاسی، تأثیر بیشتری در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران داشته است.

واژگان کلیدی: ایرانی‌ت، توسعه، توسعه سیاسی، فرهنگ، فرهنگ سیاسی.

هویت و هویت قومی از نیازهای روانی انسان و پیش نیاز هر گونه زندگی اجتماعی است. بدون چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، افراد همانند یکدیگر خواهند بود و هیچ کدام از آن ها نمی تواند به صورتی معنادار و پایدار با دیگران ارتباط و پیوند یابد. علاوه بر این، هویت به زندگی افراد معنا می بخشد. امانوئل کاستلز^۱ معتقد است که هویت فرآیند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی های فرهنگی که بر دیگر منابع معنای برتری دارد، است (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۵). بدون وجود چارچوب های مشخصی که شباهت ها و تفاوت ها را مشخص و آشکار می سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر میان خود نخواهند داشت؛ کشور ایران از جمله کشورهایی است که در آن مرزهای سیاسی بر مرزهای فرهنگی و اجتماعی منطبق نیست و به همین جهت گروه های قومی، نژادی و مذهبی زیادی را در خود جای داده است.

به عبارت دیگر در ایران با گروه های قومی و مناطق مختلف جغرافیایی - فرهنگی رو به رو هستیم که بر پایه مشترکات نژادی، زبانی، ادبیات و یا حداقل محل سکونت یا سرزمین، سنت های فرهنگی و احساسات هویتی خاصی دارند که آن ها را به عنوان گروه فرعی از جامعه بزرگ تر متمایز می کند (پورسعید، ۱۳۸۶: ۳۵). در ایران، اقوام فارس، کرد، لر، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن در کنار هم زندگی می کنند و با این وجود، تفاوت های قومی (به ویژه در مورد اقوام اهل سنت)، یکی از شکاف های اجتماعی این کشور است؛ همچنین در بخش هایی از مرزهای طولانی ایران با کشورهای همسایه، اشتراک قومی وجود دارد (مانند مناطق مرزی آذری در مجاورت با جمهوری آذربایجان، مناطق کردنشین در مجاورت با کردستان و عراق و ترکیه، مناطق بلوچ نشین در مجاورت با بلوچستان پاکستان؛ مناطق ترکمن نشین در مجاورت با جمهوری ترکمنستان و مناطق عرب نشین در مجاورت با عراق). تنوع قومی به خودی خود تهدید تلقی نمی شود، ولی گاهی این تنوعات می تواند منجر به شکل گیری گرایش ها، حرکت های قومی تنش زا و حتی بحران زا شود (جلائی پور، ۱۳۸۴: ۲۹). شواهد رو به رشدی وجود دارد که نشان می دهد که اقلیت های قومی معمولاً رضایت کمتری از زندگی خود نسبت به جمعیت اکثریت دارند (باترام، ۲۰۱۱: ۹۷). نابرابری های قومی در ویژگی هایی از رضایت زندگی مانند: درآمد، اشتغال، بهداشت و رفاه اجتماعی تاثیرگذار است (فرانک و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۰۸).

قوم کرد، پس از فارس ها و آذری ها، سومین گروه ملت ایران به شمار می آیند. این قوم در حال حاضر در غرب کشور در استان های کردستان، جنوب آذربایجان غربی و بخش هایی از

^۱ Manuel Castells

استان‌های کرمانشاه و ایلام مستقرند. بخشی از منطقه کردنشین نیز، مشتمل بر نواحی شمال عراق، جنوب شرقی ترکیه و شمال شرقی ترکیه است. دسته‌هایی از این قوم در شمال خراسان و گروهی نیز در کشور ارمنستان به صورت اقلیت قومی به سر می‌برند. زبان کردی در قالب لهجه‌های خاصی چون کرمانجی، سورانی، زرزا، گورانی و کلهر، از حیث ساختار و ریشه از شاخه‌های ایرانی زبان‌های هند و اروپایی است که در عین داشتن زیرساخت مشترک با زبان ایرانی نظیر بلوچی، پشتو و فارسی، گونه خاصی از زبان است که اقوام و گروه‌های کرد را به هم پیوند می‌دهد و از عوامل یکپارچگی و تجانس این قوم به شمار می‌آید. از حیث مذهبی، کردها به دو گروه سنی شافعی و شیعه تقسیم می‌شوند. بر خلاف کردهای کردستان که اهل سنت و شافعی‌مذهب‌اند، کردهای منطقه کرمانشاه و ایلام عمدتاً شیعه‌اند. در مجموع اگرچه کردها در زمینه ریشه‌های نژادی، زبانی و تاریخی و بعضی خصصت‌های فرهنگی با بخش مرکزی ایران مشترکاتی دارند اما از جهت مذهبی، قومی و زبان محاوره با بخش مرکزی ایران متفاوتند و در عوض با نواحی کردنشین خارج از مرزها، به ویژه کشور عراق، همگونی دارند (مطلبی، ۱۳۸۷: ۲۰).

کردهای ایران همواره به دنبال مشارکت هر چه بیشتر در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خود می‌باشند و به عبارت دیگر خواهان استفاده از فرصت‌های بیشتر در نظام ملی کشور هستند، زیرا کردهای ایران در بیست سال گذشته حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته‌اند. اما به دلایل مختلف در طول دوره‌های مختلف امکان مشارکت مناسب و حداکثری این قوم صورت نگرفته است. خب این یک اصل کلی هست که اگر راه‌هایی از طریق نهادهای مشارکتی برای بیان خواسته‌ها نباشد، تجلی مشارکت در شکل خشونت خواهد بود (ساجدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۷). این چالش قومی بر اثر عواملی صورت گرفته که به طور کلی به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. در این تحقیق به بررسی ۲ عامل اقتصادی و سیاسی از مجموعه عوامل داخلی موثر در چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران پرداخته شده است. با توجه به مطالب ذکر شده محقق به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است: اول: آیا عوامل اقتصادی و سیاسی در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران تاثیر داشته است؟ دوم: در صورت تایید فرض اول کدام یک از عوامل اقتصادی و سیاسی نقش موثرتری در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران داشته است؟

پیشینه تحقیق

باصر و همکاران (۲۰۱۵) مقاله‌ای با عنوان فضاهای قابل رویت و تاکتیک مشارکت فراملی: رویکرد چند بعدی به دیاسپورای کردی را به رشته تحریر درآورده‌اند. نویسنده در این مقاله

وضعیت پراکندگی قوم کرد را در سراسر جهان مورد بررسی قرار داده است. نویسنده عنوان کرده دیاسپورا یا همان وضعیت پراکندگی قوم کرد، تابع چشم اندازهای سیاسی بوده و به سرعت در حال تغییر است و شامل روابط قدرت محلی و جهانی است.

بوزاراصلان (۲۰۱۵) مقاله ای با عنوان کردها، خاورمیانه و خشونت ها را به رشته تحریر درآورده است. وی عنوان کرده اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و بحران سوریه و عراق از سال ۲۰۱۱ به بعد بر وضعیت و شرایط کردها تاثیرات زیادی گذاشته است. اتحاد با دولت های منطقه ای که به منابع سیاسی و نظامی دسترسی داشته سبب تقویت کردها شده است اما در کل از زمان آغاز خشونت ها در منطقه، کردها نیز تضعیف شده اند. با این حال به نظر می رسد با کاهش خشونت ها در منطقه قدرت کردها نیز رو به افزایش است.

سراج زاده و همکاران (۱۳۹۴) مقاله ای با عنوان مطالعه کیفی مذهب و قوم گرایی در میان کردهای شیعه و سنی را به رشته تحریر درآورده اند. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به مطالعه ی رابطه قوم گرایی و مذهب در میان کردهای ایران بپردازد. روش شناسی پژوهش، کیفی است و داده های کیفی در این مطالعه با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شدند. برای تجزیه و تحلیل یافته ها از روش نظریه زمینه ای استفاده شده است. داده های گردآوری شده در قالب ۵۳ مفهوم اساسی، ۱۴ مقوله عمده و نهایتاً دو مقوله هسته کدگذاری و تحلیل شدند. برای کردهای سنی ۲۸ مفهوم به دست آمد که به ۷ مقوله اصلی شامل، هویت یکپارچه کردی، نارضایتی از دولت، تلقی سکولار از دین، ارجحیت قومیت بر مذهب، بیگانگی با هویت ایرانی، حق تعیین سرنوشت و نقش نخبگان قومی تقلیل یافته و یک مقوله هسته تحت عنوان ناسیونالیسم کردی سکولار برای آن تعیین شده است.

جوادی ارجمند و همکاران (۱۳۹۳) مقاله ای با عنوان بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار: مطالعه موردی منطقه کردستان ایران (قومیت کرد) را به رشته تحریر درآورده است. این مقاله با تأکید بر هویت قومی مردم کرد، موانع فرایند جذب این قومیت در هویت ملی را بررسی می کند. همجواری منطقه کردستان ایران با اقلیم کردستان عراق و کردستان ترکیه، تبلیغات جدایی طلبانه و قوم گرایانه خارجی به همراه ناآرامی های متناوب و تنش های گاه خشونت آمیز، نگاه ویژه به این منطقه به طور عام و بررسی هویت و فرهنگ کرد به طور خاص را در جهت ایجاد و حفظ امنیت پایدار در منطقه ضروری می سازد. فرضیه این مقاله مبتنی بر این است که آنچه منطقه کردستان را در مقابل این تبلیغات سوء و نفاق افکنانه به عنوان بخشی از خاک ایران حفظ کرده، جذب هویت مردم کرد در هویت ملی است؛ لیکن این جذب با چالشها و موانعی روبه روست؛ از جمله مشکلات اقتصادی منطقه و نابرابری های ناحیه ای، تبلیغات تجزیه طلبانه و فرصت طلبانه بیگانگان، تبعیضات مذهبی و نگاه امنیتی به این منطقه و

تحولات کردستان عراق، که باید در جهت رفع این مشکلات با نگاهی کارشناسانه اقدام کرد. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۰) مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل موثر بر ترجیحات هویتی در مناطق کردنشین را به رشته تحریر درآورده است. با توجه به زیست چند فرهنگی و چند قومی جامعه ایران و تحولات جهانی، پرداختن به تعلقات جمعی و ترجیحات هویتی در میان اجتماعات قومی به ویژه اجتماعات کردنشین اهمیت فزاینده‌ای به دست آورده است. این پژوهش به روش چندگانه (روش پیمایشی، روش اسنادی و تحلیل ثانویه) و با استفاده از پرسش نامه‌های کلان و خرد صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ترجیحات هویتی پاسخ‌گویان، بر احساس یگانگی و هم ذات‌پنداری با شناسه‌های اجتماع قومی و احساس تفاوت و تمایز با شناسه‌های اجتماع ملی استوار است. نتایج تحلیل چند متغیره نشان می‌دهد که متغیرهای سطح توسعه، میزان بهره‌مندی از اشکال سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی)، نوع احساس و پنداشت از محیط هنجاری و اعیان فرهنگی و اجتماعی در نهایت توانستند حدود ۶۶ درصد از ترجیحات هویتی کردها را تبیین کنند.

مبانی نظری

نظریه توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای

توسعه جریانی است که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد علاوه بر این و که بهبود میزان تولید و درآمد را به دنبال می‌آورد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت - اجتماعی‌های نهادی، اراداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است و حتی عادات و رسوم و عقاید آن‌ها را نیز در بر می‌گیرد (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۳۱)

در تحلیل منازعات قومی برخی از پژوهشگران از توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای^۱ به عنوان زمینه‌های بحران‌خیزی مناطق قومی یاد می‌کنند. نظریه توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای معطوف به عوامل دیگری نظیر شرایط طبیعی و جغرافیایی، جمعیتی و سیر و جهت سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی است که برای برخی از مناطق یک کشور توسعه اقتصادی و برای پاره‌ای دیگر از مناطق توسعه نیافتگی اقتصادی به بار می‌آورد (سلیمی فر، ۱۳۷۶: ۱۷۲).

تا دهه‌های اخیر، در غالب نظریه پردازی‌ها، توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای محصول اجتناب ناپذیر نظام سرمایه‌داری دانسته می‌شد، چنان‌که لنین به عنوان اولین نظریه

^۱ Uneven development & Regional inequalities Theory

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

پرداز از این دیدگاه با طرح قانون توسعه ناموزون سرمایه داری^۱ این گرایش را جزء لاینفک نظام سرمایه داری ارزیابی کرده بود. حال آنکه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و آشکار شدن ابعاد نابرابری های منطقه ای میان نواحی اروپایی و آسیایی در آن کشور مشخص شد که نظام های سوسیالیستی نیز از این فرایند برکنار نبوده اند. وضع یوگسلاوی سابق به ویژه توسعه صنعتی اسلوونی در برابر وضع نامناسب اقتصادی - اجتماعی اکثر ایالات و جمهوری های مستقل این کشور نمونه دیگری از نابرابری های منطقه ای در بین کشورهای سوسیالیستی است (مقصودی، ۱۳۷۰: ۴).

راجر بارترا در کتاب خود با عنوان مقدمه ای بر روابط گروه های قومی در آسیا و اقیانوسیه که در سال ۱۹۷۹ توسط یونسکو منتشر گردید (بارترا، ۱۹۷۹: ۹۳)، بحران های قومی دنیای معاصر را متأثر از نظام اقتصادی سرمایه داری می داند. وی معتقد است نظام سرمایه داری در مراحل رشد خود به گونه ای متناقض عمل می کند، به شکلی که از یک طرف موجب جا به جایی نیروی کار و سرمایه از نواحی توسعه نیافته به نواحی توسعه یافته تر و تشدید توسعه یافتگی در این مناطق می شود و از طرف دیگر این جا به جایی مشکلاتی برای نواحی قومی عقب افتاده به وجود می آورد. نظام سرمایه داری نیز با وجود تمهیداتی که اندیشیده تاکنون از حل مشکلات موجود در مناطق قومی عقب افتاده ناتوان بوده است. بارترا در جمع بندی خود، این فرایند متناقض را به منزله دور باطلی ارزیابی می کند که نتیجه ای جزء قومی شدن بیش از پیش مرادفات تجاری - اقتصادی، تشدید عقب ماندگی و سرانجام بسترسازی برای منازعات قومی نداشته است (برمان، ۱۹۸۸: ۳۷۷).

نظریه محرومیت نسبی^۲

این نظریه عامل بروز منازعات قومی را رفتار تبعیض آمیز یک گروه قومی با گروه قومی دیگر می داند. شارح این نظریه تد رابرت گار^۳ است. به عقیده وی، هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می کند که با افراد یک گروه قومی در مقایسه با گروه های دیگر، رفتاری تبعیض آمیز صورت گیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). به نظر گار، وسعت محرومیت های جمعی، گروه فرهنگی در مقایسه با دیگران، عامل اصلی ناراضی و اقدام مشترک است. محرومیت به معنی نابرابری در رفاه مادی یا سایر دستیابی ها در مقایسه با دیگر گروه های اجتماعی

^۱ Law of Uneven Capitalist development

^۲ Relative Deprivation

^۳ Ted Robert Gurr

هکتر بر این باور است که همبستگی قومی ممکن است در داخل یک واحد ملی در حال ظهور و در نتیجه تشدید تعارض، نابرابری و بی عدالتی‌های ناحیه‌ای میان یک مرکز فرهنگی و قومی شکل بگیرد. به این ترتیب، وی تبیین دوام همبستگی قومی در جوامع مدرن را در درون چارچوب مدل "قومیت-عکس‌العمل" طرح می‌کند. در این دیدگاه همبستگی و چالش، عکس‌العملی است که از جانب یک گروه پیرامونی و از نظر فرهنگی مجزا شکل می‌گیرد. شکاف‌های قومی نیز از طریق نهادهای بوروکراتیک و دولتی تحکیم می‌شوند(احمدی، ۱۳۷۶: ۶۶). نوسازی و توسعه اقتصادی در کشورهایی که از تنوع قومی برخوردارند، به جریانی منجر می‌شود که هکتر تقسیم کار فرهنگی می‌نامد. در این تقسیم کار فرهنگی که الگویی از تبعیض و بی عدالتی ساختاری است، افراد بر مبنای ویژگی‌ها یا مشخصه‌های فرهنگی قابل مشاهده، به انواع خاص اشتغال و سایر نقش‌های اجتماعی گماشته می‌شوند. این تعامل به ایجاد ساختار اجتماعی حاکم - محکوم یا مسلط - زیرسلطه منجر می‌شود. مایکل هکتر، در نظریه خود، معتقد است مدرنیزاسیون و افزایش تماس گروه‌های قومی در چارچوب یک دولت، ضرورتاً نه باعث وحدت، بلکه بر عکس احتمالاً به منازعه قومی منجر می‌شود. این امر به علت توسعه نابرابر مناطق یک کشور است. همبستگی و انسجام اجتماعی زمانی افزایش می‌یابد که این بی عدالتی‌ها کاهش یابند(صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۲۴۴).

نظریه رقابت بر سر منابع

بر اساس این رهیافت ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت-ملت خاص، چهارچوبی فراهم می‌سازد که در آن رقابت بر سر منابع(به ویژه مشاغل دولتی) انگیزه عمده کشمکش میان قومی را به وجود می‌آورد. هویت یابی قومی به عنوان اساس اقدام جمعی زمانی تحقق می‌پذیرد و حفظ می‌شود که امتیازات آشکاری وجود داشته باشد که با تکیه بر هویت قومی بتوان برای دست یافتن به آن‌ها با دیگران رقابت کرد. این رقابت میان گروه‌های قومی عامل بسیج قومی است و منجر به تشکیل سازمان‌های قومی و افزایش هویت‌های قومی می‌شود(اولزاک، ۱۹۸۵: ۸۰). به گفته گلنر و موینیان، گروه‌های قومی به میزان بی سابقه‌ای به عنوان وسایل تجلی و پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی ظهور می‌کنند.

آن‌ها معتقدند که با ظهور دولت رفاهی و گرایش کلی دستگاه دولتی به ایفای نقش داور در رقابت‌های اقتصادی و سیاسی، قومیت به عنوان عامل تامین و گسترش منافع مادی کاربرد گسترده استراتژیک پیدا کرد(گلنر و موینیان به نقل از احمدی، ۱۹۷۵: ۱۶۴). اقدام جمعی نژادی و قومی زمانی روی می‌دهد که دو گروه قومی یا بیشتر بر سر منابعی با ارزش یکسان با

یکدیگر رقابت کنند. رقابت قومی نیز زمانی به وجود می آید که گروه های قومی سعی دارند بر سایر گروه های قومی اکثریت یا اقلیت در دستیابی به همان منابع پیش بگیرند. در شرایطی که منابع پایدار یا ناپایدار مطرح باشد، این رقابت منجر به اقدام جمعی قومی می شود (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۶).

نظریه استعمار داخلی

این نظریه که بیشتر توسط مایکل هکتر به طور مبسوط شرح داده شده، تاکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در یک نظام سیاسی ملی در نتیجه وخیم شدن نابرابری های منطقه ای بین یک هسته متمایز فرهنگی و پیرامون آن تقویت شود (احمدی، ۱۳۷۶: ۶۷). سه گزاره این نظریه عبارتند از: ۱) هر چه نابرابری اقتصادی بین جماعت ها بیشتر باشد، احتمال همبستگی بیشتری بین جماعت کمتر پیشرفته وجود دارد؛ ۲) چنانچه میزان ارتباطات داخلی جماعت ها بیشتر باشد، همبستگی جماعت حاشیه نشین بیشتر می شود و ۳) هر چه تفاوت های فرهنگی بیشتر باشد، احتمال آنکه جماعت پیرامونی متمایز از لحاظ فرهنگی، همبستگی بیشتری داشته باشد، افزایش خواهد یافت (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

مسائل سیاسی

در یک حکومت مردمی به حضور و مشارکت قانونمند همه مردم در برنامه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی تاکید شده است و در شکل گیری و اداره این حکومت ها نقش قومیت ها بسیار اساسی و موثر به شمار آمده است. و هرچه این مشروعیت سیاسی و مشارکت قومیت ها کم رنگ تر باشد ثبات سیاسی یک نظام خدشه می بیند. همچنان که از شواهد بر می آید درصد حضور قوم کرد به نسبت جمعیت، در مدیریت سیاسی کشور به شدت پایین است، البته هر چند نسبت به دو قوم بلوچ و ترکمن بهتر است (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۶۰). کردها به دنبال مشارکت هر چه بیشتر در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خود می باشند و به عبارت دیگر خواهان استفاده از فرصت های بیشتر در نظام ملی کشور هستند، زیرا کردهای ایران در بیست سال گذشته حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته اند.

آنچنان که در تاریخ مشخص است هر زمان که دولت مرکزی به این قوم توجه کرده و همواره مورد توجه و نظر حکومت های مرکزی قرار گرفته، نه تنها دست به شورش نزدند بلکه به یاری آنان شتافته اند. مشاهده رفتار سیاسی و مشارکت وسیع سیاسی آنان در زمانی که حاکمان سیاسی ایران به آن ها توجه نموده موید این مسئله است. اما مواقعی که فقدان راه های آسان برای دسترسی به اهداف وجود نداشته باشد این یک اصل کلی هست که اگر راه هایی از طریق نهادهای مشارکتی برای بیان خواسته ها وجود نداشته باشد، تجلی مشارکت در شکل

خشونت خواهد بود. به طور کلی آنچه مسلم هست هنوز سیاست قومی مشخص، مدون و شفاف را از سوی دولت مرکزی نسبت به اقوام ایرانی خصوصاً کردها نداریم. برخوردها متفاوت است و همراه با ابهامات و سرپوش نهادن بر مسائل قومی عواقب ناگواری به دنبال خواهد داشت. در چنین حالتی می توان تصور کرد که برقراری کنترل از بیرون صورت می گیرد.

علت تاثیر وجهه تمایز بخشی در تقلیل مشارکت سیاسی کردها احساس در اقلیت بودن، عدم تاثیر در تصمیم گیری های محلی، نظارت ملی و دخالت در اجرائیات، عدم اطمینان به دولت، احساس عدم برابری در مقابل قانون است. بنابراین در تحلیل مشارکت قدرت برای کردها، قومیت تمایز بخشی خود را در تقلیل مشارکت نشان داده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بستر قانونی مناسبی جهت حیات سیاسی اجتماعی اقوام از جمله کردها را فراهم آورده است. بی شک اجرای دقیق همین اصول مندرج در قانون اساسی می تواند زمینه سازی مشارکت در قدرت و در تمام ابعاد آن باشد(جلائی پور، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

مسائل اقتصادی

از منظر اقتصاد سیاسی، در برنامه ریزی اقتصادی ممکن است مشکلات عدیده ای نمایان شود که ناشی از دخیل بودن عوامل متعدد و گوناگون در مسیر آن است. این اختلال می تواند هم بر روندهای اقتصادی و هم بر تصمیمات دولت به خصوص در کشورهای جهان سوم تأثیرگذار باشد؛ به این دلیل که در کشورهای جهان سوم، دولت مؤثرترین نهاد در ساختارهای اقتصادی و سیاسی به حساب می آید(هوشمند و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۲).

بیشتر محققان به رغم دیدگاه های متفاوت در زمینه قوم و یا گروه های زبانی و مذهبی در مورد وجود نابرابری در شاخص های توسعه در مناطق قوم نشین و مرکزی کشور اتفاق نظر دارند و معتقدند که پس از پیروزی انقلاب ایران به رغم همه اقدامات دولت پس از انقلاب و بهبود نسبی شرایط زندگی باز هم این نابرابری های اقتصادی به قوت خویش باقی مانده است. بنابراین تحلیل و بررسی حساب های منطقه ای استان های کشور مبین آن است که برخی مناطق در مقایسه با دیگر مناطق کشور عملکرد اقتصادی بهتری داشته اند، لذا مباحث نظری و مطالعات تجربی انجام شده عملکرد اقتصادی بهتر یا بدتر یک منطقه در مقایسه با میانگین محلی دلایل متفاوتی داشته که ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت های نسبی مختلف و غیره از آن جمله اند(انتصار، ۱۳۸۰: ۴۰).

مناطق و محل هایی که فعالیت اقتصادی آن در حال گسترش است و جوانان و افراد فعال سایر نقاط کشور را به خود جلب می کند و این یعنی گسترش فعالیت اقتصادی در این مناطق به قیمت رکود فعالیت های اقتصادی در مناطق عقب افتاده، تمرکز سرمایه نیز نابرابری های

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

منطقه ای را افزایش می دهد. با این توصیف به دلیل فقر اقتصادی حاکم بر مناطق کردنشین و نرخ بالای بیکاری، درآمد عمده ساکنان شهرها و روستاها برای گذران امور زندگی از طریق مرزها و قاچاق کالا می باشد (ساجدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۷).

بر اساس مطالعات صورت گرفته برای تعیین رتبه بندی سطوح توسعه استان های کشور در سال ۱۳۸۵ که تقسیمات سیاسی- اداری کشور ۳۰ استان بوده است، به لحاظ درجه توسعه یافتگی از میان ۳۰ استان کشور، استان های تهران، سمنان، یزد، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان و مازندران توسعه یافته به شمار می روند. هفده استان کشور نیز در زمره نیمه توسعه یافته ها مطرح هستند که در صدر آن ها چهارمحال بختیاری و در انتهای آن ها خوزستان قرار دارد؛ اما استان های کردنشین همچنان در رده های انتهایی جدول قرار دارند؛ به طوری که آذربایجان غربی با رتبه ۲۹، کردستان با رتبه ۲۸ و کرمانشاه با رتبه ۲۷ در انتهای جدول و قبل از سیستان و بلوچستان قرار گرفته اند و تنها استان ایلام توانسته است که همچنان در مسیر سیاست های توسعه ای دولت قرار گرفته و در میان استان های در حال توسعه و یا نیمه توسعه خود را حفظ کند (قنبری، ۱۳۹۲: ۱۷۴). همچنین نرخ بیکاری یکی از شاخص های ارزیابی وضعیت اقتصادی کشورها محسوب می شود و این طرح به منظور برآورد شاخص های نیروی کار به صورت فصلی و سالانه و همچنین تغییرات آن در کل کشور، نقاط شهری، روستایی و تغییرات سالانه استان ها اجرا می شود. بر اساس جدیدترین داده های مرکز ملی آمار ایران در سال ۹۵، بالاترین نرخ بیکاری به ترتیب متعلق به استان های کرمانشاه با ۲۴,۴ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۲۲,۶ و کردستان با ۲۰,۵ درصد بوده است (خبرگزاری مهر، ۲۴ اسفند ۹۵).

طبق آمار مذکور در مناطق کردنشین کیفیت زندگی و توسعه اقتصادی در پایین ترین حد نسبت به مناطق مرکزی قرار دارد. بیکاری، فقر و ناامنی انسانی سبب ایجاد چرخه معیوب و پایان ناپذیر توسعه نیافتگی و بی ثباتی در این مناطق (کردنشین) شده و خواهد شد. اتفاقاتی که در این مناطق اتفاق افتاده است، بارها و بارها توجه ویژه مسئولان را به این نواحی جلب نموده است؛ مانند درگیری ها و منازعات مسلحانه با نیروهای حکومتی، که باعث تولید نگاه امنیتی به این منطقه شده، به تشدید نابرابری این منطقه با مناطق مرکزی کشور منجر شده است (ایلامی، ۱۳۹۳: ۹۸). توسعه نیافتگی مناطق کردنشین به محرومیت و نبود عدالت در بین مردم مناطق کردنشین منجر می شود که در نهایت فضای مناسبی برای رشد و نمو قوم گرایی را فراهم می کند. اغلب با کردها به مثابه دیگری رفتار می شود و در کمتر کاری اولویت با کردهاست. پس هرگاه مردم چنین فشارهایی را از محیط اجتماعی می بینند، خواه ناخواه به دوری کردن و بریدن از این محیط متمایل می شوند، بنابراین، هویت کردی می تواند مقوله ای باشد که در مقابل هویت ملی و سیاسی شده ایرانی شکل می گیرد. مجموع این احساسات و رفتارها متأسفانه

گرایش به گریز از هویت ملی را تقویت می‌کند (فکوهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۸).

مدل مفهومی تحقیق



روش پژوهش

این تحقیق از نظر ماهیت و هدف، کاربردی و از نظر نوع روش، توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری با توجه به تعداد کم آن‌ها به صورت تمام شمار و شامل کلیه اعضای هیئت علمی سه گروه علوم سیاسی، امنیت داخلی و انتظامی دانشگاه علوم انتظامی ناجا می‌باشند. تعداد کل جامعه آماری ۵۴ نفر بود که ۵۰ نفر آن‌ها به پرسشنامه‌ها پاسخ کامل دادند. ابزار سنجش پژوهش حاضر پرسشنامه ۲۴ گویه ای است. ۴ گویه ی انتهایی آن مربوط به ویژگی های جامعه آماری است که در جدول ۳ نمایش داده شده است و ۲۰ گویه ابتدایی پرسشنامه به دو بخش ۱۰ گویه سیاسی و ۱۰ گویه اقتصادی تقسیم شده که ساختار آن در جدول ۱ و ۲ نمایش داده شده است. اعتبار پرسشنامه به وسیله آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار ۰,۹۲۷ به دست آمده است و به خاطر اینکه مقدار به دست آمده بالاتر از ۰,۷ است، بنابراین پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است.

جدول ۱: ساختار گویه های سیاسی پرسشنامه

تداوم سیاست امنیتی دولت نسبت به قوم کرد	جلائی پور (۱۳۷۲)
احساس تبعیض قومی نسبت به سایر اقوام توسط دولت	سراج زاده و همکاران (۱۳۹۲)
شکل گیری اجتماعات و تشکل های مجازی قومی در مناطق کردنشین	قادری (۱۳۸۴)
نقش و فعالیت نخبگان قومی	احمدی (۱۳۷۸)، مقصودی (۱۳۸۲)
عدم توجه دولت به مناطق کردنشین و در اولویت قرار دادن آن‌ها	فکوهی و همکاران (۱۳۸۸)
افزایش احساس محرومیت باعث کاهش پایداری به هویت ملی می شود	مقدس جعفری و همکاران (۱۳۸۷)
تأثیر خودگردانی کردستان عراق بر افزایش مطالبات سیاسی کردهای ایران	محمدی (۱۳۸۹) و جوادی ارجمند (۱۳۹۳)
عدم انتخاب استانداران سنی مذهب و کرد	کهنه پوشی (۱۳۸۳)
مخالفت با زبان کردی و لباس کردی در ادارات دولتی و عدم نامگذاری خیابان ها و مدارس به نام مشاهیر کرد	کهنه پوشی (۱۳۸۳)
ابعاد فرهنگی، اجتماعی قومیت کرد با ملیت ایرانی رابطه مثبت اما	حاجیانی (۱۳۸۷)

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹

بعد سیاسی قومیت کرد با ملیت ایرانی رابطه منفی دارد

جدول ۲: ساختار گویه های اقتصادی پرسشنامه

جوادی ارجمند (۱۳۹۳)	وضعیت بد شاخص توسعه انسانی و شاخص فقر انسانی
رضا صالحی امیری (۱۳۸۵)	سطح پایین توسعه یافتگی
ابلامی (۱۳۹۳)	بیکاری، فقر و ناامنی انسانی سبب ایجاد چرخه معیوب و پایان ناپذیر توسعه نیافتگی و بی ثباتی در مناطق کردنشین شده
محمدرضا، قادرزاده و رضایی (۱۳۸۴)	رشد اقتصاد غیر رسمی در مناطق کردنشین
محقق ساخته	ترکیب نامتوازن و ناهمگون سرمایه ها و فعالیت های اقتصادی در کشور
صفوی و همکاران (۱۳۹۰)	رشد بالای اقتصادی کردستان عراق و تاثیر آن بر مناطق کردنشین ایران
محقق ساخته	فرصت های شغلی مناسب در مناطق کردنشین عراق و جذب جوانان کرد ایرانی
محقق ساخته	عدم سرمایه گذاری های اقتصادی دولت در این مناطق
محقق ساخته	عدم تمرکز فعالیت های اقتصادی و تخلیه مناطق روستایی و کشاورزی
مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)	بالاترین درصد آمار بیکاری کشور

یافته های تحقیق

- یافته های توصیفی:

در بخش آمار توصیفی، توزیع فراوانی تحصیلات، گروه علمی محل تدریس، سنوات تدریس، سابقه تدریس در خصوص مسائل قومیتی مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۱ نمایش داده می شود:

جدول ۳: ویژگی های توصیفی افراد نمونه

گویه ها	فراوانی	درصد فراوانی
تحصیلات	فوق دیپلم	۰
	لیسانس	۰
	فوق لیسانس	۱۶
	دکتری	۳۴
گروه علمی	علوم سیاسی	۱۰
	علوم انتظامی	۲۲
	امنیت داخلی	۱۸

سابقه تحقیق و تدریس در قومیت	داشته ام	۴۰	۸۰٪
	نداشته ام	۱۰	۲۰٪
سنوات تدریس	۱ تا ۱۰ سال	۱۰	۲۰٪
	۱۰ تا ۲۰ سال	۲۳	۴۶٪
	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۷	۳۴٪
	۳۰ سال به بالا	۰	۰٪

- در بررسی میزان تحصیلات پاسخگویان، بیشترین طیف پاسخگویان با ۶۸ درصد، دارای مدرک تحصیلی دکتری و کمترین میزان پاسخگویان با ۳۲ درصد، دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس بوده اند.

- در بررسی گروه علمی محل تدریس جامعه آماری، بیشترین طیف پاسخگویان با ۴۴ درصد عضو گروه علوم انتظامی و کمترین طیف پاسخگویان با ۲۰ درصد عضو گروه علوم سیاسی بوده اند.

- در بررسی سابقه تحقیق و تدریس در خصوص قومیت ۸۰ درصد پاسخگویان سابقه تحقیق و تدریس در این خصوص را داشته اند و درصد کمتری یعنی ۲۰ درصد دارای سابقه تحقیق و تدریس در خصوص قومیت نبوده اند.

- در خصوص سنوات تدریس جامعه آماری، بیشترین طیف پاسخگویان با ۴۶ درصد دارای سابقه تدریس ۱۰ تا ۲۰ سال بوده اند و کمترین طیف پاسخگویان با ۲۰ درصد دارای سابقه تدریس ۱ تا ۱۰ سال بوده اند.

- یافته های تحلیلی:

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف استفاده شد. در صورتی که سطح معنی داری آزمون کولموگروف اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ باشد، می توان نتیجه گرفت توزیع داده های مربوط به متغیر تفاوت معنی داری با توزیع نرمال ندارد. با توجه به اینکه مقدار به دست آمده بالاتر از ۰,۰۵ یعنی ۰,۹۸۵ بوده، در نتیجه توزیع داده ها نرمال بوده و اختلاف معنی داری پیدا نشده، بنابراین برای تجزیه و تحلیل داده های این تحقیق از آزمون پارامتریک t مستقل در نرم افزار SPSS استفاده می کنیم.

در ابتدای مقاله، ۲ سوال مطرح شد: اول: آیا عوامل اقتصادی و سیاسی در بروز چالش های قومیتی قوم کرد ایران تاثیر داشته است؟ دوم: در صورت تایید فرض اول کدام یک از عوامل

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹
اقتصادی و سیاسی نقش موثرتری در بروز چالش های قومیتی قوم کرد ایران داشته است؟ برای پاسخ به سوالات فوق به بررسی نظر پاسخگویان می پردازیم.

مولفه اول- تاثیر عوامل سیاسی بر بروز چالش های قومیتی قوم کرد ایران:
نتیجه آزمون میانگین و t مستقل در جدول ۴ و ۵ آمده است:

جدول ۴: آزمون t فرضیه اول

تأثیر عوامل سیاسی بر بروز چالش های خطای معیار قومیتی قوم کرد ایران	تعداد داده ها	میانگین داده ها	انحراف معیار
	۱۰	۳,۷۸۸	۰/۰۸۹۸۵

جدول ۵: آزمون میانگین فرضیه اول

تأثیر عوامل سیاسی اطمینان ۹۵٪ بر بروز چالش های	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف داده ها	با فاصله
قومیتی قوم حد بالا کرد ایران	۹	۰/۰۰۰	تاسه رقم اعشار از میانگین	۳,۵۸۴۷	۳,۹۹۱۳
حد پایین					

همانطور که در جدول ۴ و ۵ آمده است میانگین ۱۰ سوال مربوط به مولفه تاثیر عوامل سیاسی بر بروز چالش های قومیتی ۳,۷۸۸ بوده است که از میانگین ۳ بالاتر است. در نتیجه عوامل سیاسی در بروز چالش های قومیتی قوم کرد ایران تاثیر داشته است و فرضیه اول مورد تایید قرار گرفت. لذا جهت بررسی میزان تاثیر عوامل سیاسی در بروز چالش های قومیتی قوم کرد ایران، میانگین نظرات پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۶: میانگین نظرات و واریانس داده های گویه سیاسی

گویه سیاسی	میانگین نظرات	واریانس
تداوم سیاست امنیتی دولت نسبت به قوم کرد	۳,۳۲	۰,۸۱۱۹۶
احساس تبعیض قومی نسبت به سایر اقوام توسط دولت	۳,۵۸	۰,۵۳۷۹۵
شکل گیری اجتماعات و تشکل های مجازی قومی در مناطق کردنشین	۳,۷۴	۰,۶۶۴۲۵
نقش و فعالیت نخبگان قومی	۳,۵۸	۰,۵۷۴۶۳
عدم توجه دولت به مناطق کردنشین و در اولویت قرار دادن آن ها	۳,۶۰	۰,۷۲۸۴۳
افزایش احساس محرومیت باعث کاهش پایداری به هویت ملی می شود	۳,۹۶	۰,۷۵۴۸۵

بررسی عوامل سیاسی - اقتصادی موثر بر چالش‌های قومیتی ... ۵

۰,۸۷۲۲۵	۳,۸۸	تاثیر خودگردانی کردستان عراق بر افزایش مطالبات سیاسی کردهای ایران
۰,۸۹۱۹۱	۴,۰۲	عدم انتخاب استانداران سنی مذهب و کرد
۰,۹۵۷۰۴	۴,۳۲	مخالفت با زبان کردی و لباس کردی در ادارات دولتی و عدم نامگذاری خیابان‌ها و مدارس به نام مشاهیر کرد
۱,۰۹۹۹۱	۳,۸۸	ابعاد فرهنگی، اجتماعی قومیت کرد با ملیت ایرانی رابطه مثبت اما بعد سیاسی قومیت کرد با ملیت ایرانی رابطه منفی دارد

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود از نظر پاسخگویان گویه مخالفت با زبان کردی و لباس کردی در ادارات دولتی و عدم نامگذاری خیابان‌ها و مدارس به نام مشاهیر کرد با ۴,۳۲ درصد پر اهمیت‌ترین و گویه تداوم سیاست امنیتی دولت نسبت به قوم کرد با ۳,۳۲ درصد کم اهمیت‌ترین عامل سیاسی تاثیر گذار بر چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران است.

مولفه دوم - تاثیر عوامل اقتصادی بر بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران:

نتیجه آزمون میانگین و t مستقل در جدول ۷ و ۸ آمده است:

جدول ۷- آزمون t فرضیه دوم

تاثیر عوامل اقتصادی بر بروز چالش‌های	تعداد داده‌ها	میانگین داده‌ها	انحراف معیار
خطای معیار قومیتی قوم کرد ایران	۱۰	۲,۲۴۹	۰,۱۱۵۲۲

جدول ۸- آزمون میانگین فرضیه دوم

تاثیر عوامل اقتصادی بر بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی داری	اختلاف داده‌ها	با فاصله
اطمینان ۹۵٪ بر بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران	۳۶,۸۳۹	۹	۰/۰۰۰	۴,۲۴۹۰	۴,۵۰۹۹
حد پایین				از میانگین	حد بالا
حد بالا				۳,۹۸۸۱	۳,۹۸۸۱

همانطور که در جدول ۷ و ۸ آمده است میانگین ۱۰ سوال مربوط به مولفه تاثیر عوامل اقتصادی بر بروز چالش‌های قومیتی ۴,۲۴۹ بوده است که از میانگین ۳ بالاتر است. در نتیجه عوامل اقتصادی در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران تاثیر داشته است و فرضیه اول مورد تایید قرار گرفت. لذا جهت بررسی میزان تاثیر عوامل اقتصادی در بروز چالش‌های قومیتی قوم

جدول ۹- میانگین نظرات و واریانس داده های گویه اقتصادی

واریانس	میانگین نظرات	گویه اقتصادی
۱,۱۸۳۰۴	۳,۷۸	فرصت های شغلی مناسب در مناطق کردنشین عراق و جذب جوانان کرد ایرانی
۱,۲۷۷۹۱	۴,۱۴	سطح پایین توسعه یافتگی
۱,۵۱۶۷۱	۴,۱۶	بیکاری، فقر و ناامنی انسانی سبب ایجاد چرخه معیوب و پایان ناپذیر توسعه نیافتگی و بی ثباتی در مناطق کردنشین شده
۱,۵۶۰۸۷	۴,۱۸	رشد اقتصاد غیر رسمی در مناطق کردنشین
۱,۶۹۷۶۶	۴,۳۴	ترکیب نامتوازن و ناهمگون سرمایه ها و فعالیت های اقتصادی در کشور
۱,۸۷۳۹۹	۳,۷۲	رشد بالای اقتصادی کردستان عراق و تاثیر آن بر مناطق کردنشین ایران
۲,۰۱۹۹۰	۴,۰۴	وضعیت بد شاخص توسعه انسانی و فقر انسانی
۲,۰۰۴۴۸	۴,۶۸	عدم سرمایه گذاری های اقتصادی دولت در این مناطق
۲,۱۵۹۴۶	۴,۷۰	عدم تمرکز فعالیت های اقتصادی و تخلیه مناطق روستایی و کشاورزی
۲,۲۵۷۰۵	۴,۷۴	بالاترین درصد آمار بیکاری کشور

همان طور که در جدول ۹ مشاهده می شود از نظر پاسخگویان بالاترین درصد آمار بیکاری کشور با ۴,۷۴ درصد پر اهمیت ترین و گویه فرصت های شغلی مناسب در مناطق کردنشین عراق و جذب جوانان کرد ایرانی با ۳,۷۸ درصد کم اهمیت ترین عامل اقتصادی تاثیر گذار بر چالش های قومیتی قوم کرد ایران است.

نتیجه گیری

ایران از جمله کشورهایی است که از ترکیب قومیت های مختلفی تشکیل یافته و ساختار اجتماعی آن نیز بر همین اساس شکل گرفته است. هر یک از این قومیت ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و اقلیمی، شیوه معیشتی، بافت فرهنگی و اجتماعی و ... از نوعی فرهنگ خاص متعلق به خود برخوردار بوده و در سطوح داخلی نیز دارای تعدد خرده فرهنگ هایی نیز هستند. قرار گرفتن قومیت های ایرانی در کنار هم گاهی اوقات موجب ایجاد تنش ها، مناقشات و ناامنی می شود. تعارضات و واگرایی قومی همواره چه آشکارا و چه به صورت پنهانی تهدیدات بالقوه ای علیه امنیت ملی، توسعه یکپارچه در سطح ملی در پی دارد.

عوامل مختلفی در بعد داخلی و خارجی بر بروز ناآرامی ها و چالش های قومیتی تاثیر گذار است. در این تحقیق به بررسی مولفه های سیاسی و اقتصادی بعد داخلی پرداخته شد. ابتدا با استفاده از تجربیات و نتایج تحقیقات گذشته، مولفه های کلیدی تاثیر گذار در هر دو بعد سیاسی

و اقتصادی استخراج و سپس با ترکیب این گویه‌ها و گویه‌های محقق ساخته، پرسشنامه آمیخته‌ای تهیه شد.

در این تحقیق دو سوال مطرح شد: اول: آیا عوامل اقتصادی و سیاسی در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران تاثیر داشته است؟ دوم: در صورت تایید فرض اول کدام یک از عوامل اقتصادی و سیاسی نقش موثرتری در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران داشته است؟ با تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه مشخص شد جواب سوال اول مثبت است. بدین ترتیب که میانگین نظرات پاسخگویان در مولفه سیاسی ۳,۷۸۸ بوده که بالاتر از ۳ بوده در نتیجه عوامل سیاسی در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران موثر بوده است. میانگین نظرات پاسخگویان در مولفه اقتصادی ۴,۲۴۹ بوده که بالاتر از ۳ بوده در نتیجه عوامل اقتصادی نیز در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران موثر بوده است. در پاسخ به سوال دوم نیز باید گفت با توجه به اینکه میانگین عوامل اقتصادی ۴,۲۴۹ بوده بنابراین، مولفه اقتصادی نسبت به مولفه سیاسی، تاثیر بیشتری در بروز چالش‌های قومیتی قوم کرد ایران داشته است.

یافته‌های حاصل از این تحقیق بانظریه توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای راجر بارترا (۱۹۷۹) و نظریه استعمار داخلی مایکل هکتر مطابقت دارد. بارترا معتقد است نظام اقتصادی در مراحل رشد خود به گونه‌ای متناقض عمل می‌کند، به شکلی که از یک طرف موجب جا به جایی نیروی کار و سرمایه از نواحی توسعه نیافته به نواحی توسعه یافته تر و تشدید توسعه یافتگی در این مناطق می‌شود و از طرف دیگر این جا به جایی مشکلاتی برای نواحی قومی عقب افتاده به وجود می‌آورد. نظریه استعمار داخلی که پیشتر توسط مایکل هکتر به طور مبسوط شرح داده شده، تاکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در یک نظام سیاسی ملی در نتیجه وخیم شدن نابرابری‌های منطقه‌ای بین یک هسته متمایز فرهنگی و پیرامون آن تقویت شود. سه گزاره این نظریه عبارتند از: (۱) هر چه نابرابری اقتصادی بین جماعت‌ها بیشتر باشد، احتمال همبستگی بیشتری بین جماعت کمتر پیشرفته وجود دارد؛ (۲) چنانچه میزان ارتباطات داخلی جماعت‌ها بیشتر باشد، همبستگی جماعت حاشیه نشین بیشتر می‌شود و (۳) هر چه تفاوت‌های فرهنگی بیشتر باشد، احتمال آنکه جماعت پیرامونی متمایز از لحاظ فرهنگی، همبستگی بیشتری داشته باشد، افزایش خواهد یافت.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۶). «قومیت و قوم گرایی در ایران؛ افسانه یا واقعیت؟»، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶.
- انتصار، نادر (۱۳۸۵). بررسی مافیای قدرت ناسیونالیسم قومی - نژادی کردها، ترجمه عرفان قانعی فرد، تهران: نشر مولف.
- انتصار، نادر (۱۳۸۰). ملی گرایی قومی کردهای خاورمیانه و معضلات کردهای ترکیه، ترجمه طاهر سرحدی، تهران: نشر مولف.
- ایلامی، سعید (۱۳۹۳). بررسی نابرابری های ناحیه ای در ایران (با تاکید بر چهار استان کردنشین).
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۶). «گوناگونی و انسجام ملی در جامعه ایرانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره اول، صفحه ۶۰-۳۳.
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). فراز و فرود جنبش های کردی، تهران: انتشارات لوح فکر.
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۴). «ناسیونالیسم قومی در تجربه روس ها، نقد جمهوری خلق ها»، نامه انسان شناسی، شماره ۷، صفحه ۴۷-۲۸.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر و توکلیان، سید محسن و قمریان نصرآبادی، ناهید (۱۳۹۳). «بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار: مطالعه موردی منطقه کردستان ایران (قومیت کرد)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، دوره ۶ شماره ۲۱.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۴). «معرفی و نقد کتاب: نظریه های ناسیونالیسم اثر اموت اوز کریملی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۴، صص ۱۶۶-۱۵۳.
- ساجدی، امیر و امجدیان، فرامرز (۱۳۸۹). «تاثیر فدرالیسم کردستان عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران»، فصلنامه دانشنامه، شماره ۸۰.
- سراج زاده، سید حسین و قادرزاده، امید و رحمانی، جمیل (۱۳۹۳). «مطالعه کیفی مذهب و قوم گرایی در میان کردهای شیعه و سنی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۴، از صفحه ۳-۲۹.
- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۶). «ناهمگونی های اقتصادی منطقه ای در ایران»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۱۲۱ و ۱۲۲.
- شیرزادی، رضا (۱۳۸۹). «برنامه های توسعه در ایران بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره یازدهم، صفحه ۴۳-۲۹.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸). انسجام ملی و تنوع فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- فکوهی، ناصر و مجنون آموسی (۱۳۸۸). «هویت ملی و هویت قومی در کردستان»، پژوهش

جوانان؛ فرهنگ؛ جامعه، شماره دوم.

- فادر زاده، امید و قادرزاده، هیرش (۱۳۹۰). «بررسی عوامل موثر بر ترجیحات هویتی در مناطق کردنشین»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۷، از صفحه ۱۳۳ تا ۱۰۳.
- قاسمی، محمد (۱۳۸۱). «درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال پنجم، شماره اول، صفحه ۱۳۴-۱۲۳.
- قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۲). **تحلیلی بر نابرابری های ناحیه ای در ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گار، ت (۱۳۷۸). «اقلیت ها، ملی گراها و برخوردهای سیاسی»، مترجم: حمیدرضا کریمی، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره اول، صفحه ۲۳۲-۲۰۷.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). **جهانی شدن هویت، فرهنگ**، تهران: نشر نی.
- مطلبی، مسعود (۱۳۸۷). «اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پایان نامه های دانشجویی»، **نشریه دانشگاه تمدن ساز**، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۰). «یوگسلاوی؛ پایان بحران یا صلحی شکننده؟»، **روزنامه ابرار**، سال سوم، شماره ۷۷۳.
- هوشمند، داریوش، اسماعیلی، محمدحسین، حسینیان، رسول (۱۳۹۸). «رابطه توسعه و کیفیت حکمرانی از منظر اقتصاد سیاسی»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال چهاردهم، شماره چهل و شش، صفحه ۱۵۷-۱۳۱.
- Bartram, David (۲۰۱۱). Economic migration and happiness: comparing immigrants' and natives' happiness gains from income. Soc. Indic. Res. ۱۰۳, ۵۷-۷۶.
- Bartra, Roger (۱۹۷۹), Introduction to Ethnic Group Relations in Asia and Oceania, UNESCO.
- Baser, Bahar and Emanuelsson, Ann-Catrin and Toivanen, Mari (۲۰۱۵), (In)visible spaces and tactics of transnational engagement: A multi-dimensional approach to the Kurdish diaspora, Kurdish Studies, Volume ۳, Issue ۲. <http://www.lulu.com/shop/transnational-press-london/kurdish-studies-volume-۳-issue-۲-october-۲۰۱۵/paperback/product-۲۲۵۸۹۳۴۸.html>.
- BOZARSLAN, HAMIT (۲۰۱۴), The Kurds and Middle Eastern "State of Violence": the ۱۹۸۰s and ۲۰۱۰s, Kurdish Studies, Volume: ۲, No: ۱, pp. ۴ - ۱۳.
- Burman, B. K. Roy (۱۹۸۸), "Ethnicity and Ethnic Tensions: Some

- _____ ♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره پنجاهم، بهار ۱۳۹۹
- Theoretical Issues and Illustrations”, Social Action, Vol ۳۸ (Oct - December ۱۹۸۸).
- Glazer, Nathan and Daniel P. Moynihan (۱۹۷۵) eds., Ethnicity: Theory and Experience, (Cambridge: Harvard University Press.)
- Olzak, Susan (۱۹۸۵), "Ethnicity and Theories of Ethnic Collective Behaviour", Research in Social Movements, Conflicts and Change, vol. ۸: ۶۵-۸۵.